

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۷/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۱۰

فصلنامه علوم و فنون نظامی

سال دوازدهم، شماره ۳۸، زمستان ۱۳۹۵

صص ۳۳-۵۴

تبیین عملکرد فرماندهی یگان‌های تاکتیکی زمینی در عملیات

تأثیر محور

عباس رضائی*^۱

مجید رجب‌پور^۲

چکیده

تغییر ماهیت جنگ پایه و اساس انفجار تفکر تأثیر محور را آشکار می‌کند. به کارگیری رویکرد تأثیر محوری توسط برنامه‌ریزان در نبرد هوایی خلیج فارس موجب تسهیل موفقیت جنگ هوایی شد. هدف این پژوهش تبیین فرماندهی یگان‌های تاکتیکی زمینی در عملیات تأثیر محور می‌باشد. نوع پژوهش کاربردی و روش انجام آن همبستگی می‌باشد. این مقاله با رویکرد تحلیلی-توصیفی نگاشته شده و تلاش دارد مفهوم عملیات تأثیر محور را با رویکرد مقابله با کشورهای فرامنطقه‌ای به طور مشروح بیان نماید. جامعه آماری پژوهش شامل فرماندهان و جانشینان قرارگاه‌های منطقه‌ای و تاکتیکی نذاجا می‌باشد. جمع‌آوری داده‌ها از طریق دو پرسشنامه تحت عناوین سبک فرماندهی و عملیات تأثیر محور صورت پذیرفته است. جهت بررسی رابطه موجود میان متغیر مستقل و متغیر تابع از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف و ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. در سطح معنی‌داری پنج درصد (۵٪) صحت فرضیه‌های پژوهش مورد تأیید قرار گرفت. نتایج پژوهش نشان داد که مؤلفه تصمیم‌گیری بیشترین تأثیر را بر عملیات تأثیر محور دارد. و در این میان عامل ارزش‌های فردی فرمانده در امر تصمیم‌گیری فرماندهان بسیار مهم و تعیین‌کننده می‌باشد.

واژه‌های کلیدی

عملیات تأثیر محور، تصمیم‌گیری، طراحی و برنامه‌ریزی، سازماندهی، هماهنگی و کنترل

۱. عضو هیئت علمی و مدرس دانشگاه فرماندهی و ستاد آجا

۲. عضو هیئت علمی دانشگاه فرماندهی و ستاد آجا

Email: a.rezaee52@gmail.com

* نویسنده مسول:

مقدمه

تغییر ماهیت جنگ و پایان جنگ سرد و کاهش قابل ملاحظه شمار نیروهای نظامی ایالات متحده، ضرورت تدوین راهبرد نظامی تاثیر محور را تشدید کرده است. کتاب شلیک برای تاثیر و نسخه ۲۰۰۱ آن به احتمال آثار مؤثر و سازنده نظریه عملیات تاثیر محور هستند. دپتولا^۱ در کتاب عملیات تاثیر محور تغییر ماهیت جنگ پایه و اساس جدید انفجار تفکر تاثیر محور را آشکار می‌کند. ساختار جنگ و نبرد به کار گرفته شده در نبرد هوایی خلیج فارس به عنوان جنگ موازی شناخته شده و مبتنی بر دستیابی به آثار خاص و نه تخریب مطلق فهرست‌های هدف است. دپتولا استدلال کرد که به‌کارگیری رویکرد تاثیر محوری توسط برنامه‌ریزان نبرد هوایی خلیج فارس موجب تسهیل موفقیت جنگ هوایی، مفهوم جنگ موازی و پیروزی عمومی شد. جنگ موازی در اصل یک ایده قدرت و توان هوایی است که دپتولا آن را معادل مفهوم اخیر عملیات تعیین کننده فرض کرده است. (منزوی، ۱۳۸۸: ۴)

قبل از قرن بیستم، قسمت اعظم جنگ‌های نظامی شامل دشمنانی بود که سعی می‌کردند در میدان جنگ و یا در دریاها یکدیگر را نابود کنند. بر اساس استراتژی‌های دوقلوی نابودی و فرسایش، جنگ‌ها معمولاً هم خونین و هم طولانی بودند. تمام استراتژی‌های نظامی قبل از جنگ جهانی اول مبتنی بر دکتین‌های فرسایش و نابودی بودند که استراتژی‌های غالب آن زمان محسوب می‌شدند. ولی به تدریج پس از درگیری‌های بی‌رحمانه کانال‌ها در جریان جنگ جهانی اول، تاکید بر نابودی و فرسایش شروع به تغییر کرد. با ظهور هواپیما، راهبران نظامی به سرعت دریافته‌اند که حمله به اهداف استراتژیک می‌تواند تاثیرات ژرفی بر سربازان دشمن تحمیل کند. انتخاب هدف از طریق ترکیبی از استدلال، درک غریزی و تجربه انجام می‌شد که این شیوه تا جنگ جهانی دوم ادامه یافت، هر چند طراحان نیروهای متحدین بهمدل‌های تحلیلی دسترسی داشتند، ولی متأسفانه استفاده از آنها دست و پاگیر بود، چون هنوز کامپیوتر اختراع نشده بود. آن‌ها عموماً به صورت متوالی به انهدام اهداف می‌پرداختند تا عدم دقت بمباران را جبران کنند. هر چند طراحان در جریان جنگ جهانی دوم بیشتر به دنبال تاثیر بودند تا تخریب، ولی به صورت عمده تنها یک مرکز ثقل، یعنی همان نیروهای حاضر در میدان را مد نظر قرار می‌دادند. در ویتنام عملیات خط‌نگه‌دار تاثیر انتخاب هدف بر مرکز ثقل رهبری را به اثبات رساند. عملیات طوفان صحراء نمایش خوبی از هدف یابی تاثیر محور علیه مراکز ثقل

^۱ - دیوید ای دپتولا ژنرال بازنشسته امریکایی

متعدد دشمن بود. طراحان نیروی هوایی تصمیم گرفتند حملات علیه مجموعه اهداف را بر اساس تأثیری که ایجاد می‌کردند و نه میزان تخریب واقعی‌شان ادامه داده یا متوقف کنند. این رویکرد هدف‌یابی بسیار کارآمد از آب درآمد و منجر به حملات موازی بسیار موفقیت آمیزی علیه مراکز ثقل متعدد دشمن شد. مشکل این است که سیستم‌های فرماندهی و کنترل فعلی تقریباً هیچ دیدی نسبت به تأثیری که اهداف روی سیستم‌های دشمن دارند به ما نمی‌دهند. (زدجوباگی، مترجم سوری، ۱۳۸۵:۱۱۰)

بیان مسئله

عملیات تأثیرمحور تنها بخشی از یک تصویر بسیار بزرگ‌تر است که با ماهیت در حال تغییر جنگ، سروکار دارد. از زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و کمونیسیم جهانی، تهدیدها و چالش‌های جدیدی پدید آمده‌اند. استفاده برتر از اطلاعات ضروری است. همان‌گونه که ارتباط بین تمامی مؤلفه‌های نیرو در یک مجموعه کلی نیز چنین است. راهبرد دوران صنعتی، یعنی انبوه نیرو در مقابل انبوه نیرو، دیگر قابل انجام نیست. نیروهای نظامی در مأموریت‌هایی شرکت خواهند کرد که با صرف جنگیدن تفاوت دارد. این نوع عملیات نظامی ائتلاف محور به نحو فزاینده‌ای به یک هنجار تبدیل شده است، ولی ماهیت موقت ائتلاف، مشکلاتی را به وجود می‌آورد که در ساختار نیروی همگونی که دارای یک ملیت واحد است وجود ندارد. به‌کارگیری نیروی نظامی در دهه آینده نیز در کنار متحدان یا شرکای ائتلافی انجام خواهد شد. بسیاری از این موضوع‌ها همه دارند که عملیات نظامی غیرجنگی ممکن است باعث محدودیت تعداد واحدهای رزمی و طبیعتاً تضعیف توانایی‌ها و آمادگی‌های موجود شود. این تنها یکی از تهدیدهایی است که بسیاری از نیروهای نظامی با آن دست به‌گریبان هستند. به علت فشاری که بر بودجه‌های نظامی در اروپا وجود دارد، نوعی شکاف در قابلیت‌های نظامی آمریکا و کشورهای اروپایی عضو ناتو در این دهه در حال شکل‌گیری است. این موضوع بخت کشورهای اروپایی برای دستیابی به نیرویی نظامی که قادر به ایجاد تأثیرات انبوه بدون انبوه‌سازی نیرو باشد را محدود می‌کند، چون لازمه این کار حرکت از جنگ سکومحور به جنگ شبکه‌محور، به منظور متلاشی کردن سریع اراده و انسجام دشمن است. احتمالاً بزرگ‌ترین عدم توازن‌های در حال شکل‌گیری در زمینه قدرت آتش عمیق، توانایی همزمان‌سازی مانور و حفاظت از نیرو خواهد بود. این شکاف در حال شکل‌گیری باید پر شود، چون تنها توانایی‌های متوازن باعث هم‌افزایی شده و گزینه‌های متعددی را در اختیار تصمیم‌گیرندگان قرار می‌دهد. ترکیبی از رزم

و مانور دقیق منجر به تشکیل نیروهایی با مزیت‌های متوازن و کامل می‌شود. هدف چنین توازنی دستیابی سریع به اهداف راهبردی با حداقل هزینه از طریق ایجاد تأثیرات سرنوشت‌ساز است. این موضوع از اهمیت بیشتری برخوردار است، چون مشخصه جنگ آینده، دستیابی به اهداف روانی، دستورهای ماموریت‌گونه^۱، کاهش وابستگی به حمایت لجستیکی و تاکید بر مانور است (زد جوباگی، سوری، ۱۳۸۵: ۷۴).

در پژوهش پیش‌رو قصد و نیت پژوهش‌گران بر آن است تا چگونگی فرماندهی یگان‌های تاکتیکی زمینی در عملیات تأثیرمحور را با توجه به متغیرهای مستقل جزء تصمیم‌گیری، طراحی و برنامه‌ریزی، سازماندهی، هماهنگی و کنترل، ایجاد انگیزه و ابتکار مورد بررسی قرار داده فلذا سؤال اصلی پژوهش که محققان درصدد پاسخ‌گویی به آن برآمدند عبارت است از: فرماندهی یگان‌های تاکتیکی زمینی در عملیات تأثیرمحور چگونه باید باشد؟

هدف کلی از انجام این پژوهش: تبیین فرماندهی یگان‌های تاکتیکی زمینی در عملیات تأثیرمحور می‌باشد.

اهمیت و ضرورت پژوهش

عملیات تأثیرمحور پس از جنگ خلیج‌فارس ظهور کرد. طبق نظر صاحب‌نظران، روش جدید هدایت عملیات در این درگیری‌ها بر ایجاد تأثیرهای مطلوب متمرکز شده، و رویکرد جنگ بر نابودی، فرسایش و مبتنی بر تخریب فیزیکی اهداف نیست. ارزیابی‌های مستمر بایستی میزان تأثیرگذاری مورد نظر را ارزیابی و اندازه‌گیری کند. ارزیابی‌های انجام‌شده بایستی تعیین کنند که اقدامات نظامی منجر به خلق تأثیرهای مورد نظر می‌شوند یا این که باعث ایجاد تأثیرهای ناخواسته می‌شوند همچنین بایستی مشخص شود که آیا اقدامات تاکتیکی تأثیری در دستیابی به تأثیرها مورد نظر دارند یا خیر. هدف این عملیات ایجاد عملیات هم‌افزا و هماهنگ است به گونه‌ای که منجر به ایجاد تأثیرهای مطلوب و مورد نظر شود. ارزیابی‌های مستمر از دشمن، اقدامات سیاسی و نظامی نیروهای خودی و همچنین موقعیت و وضعیت متحدان باعث می‌شود تا فرمانده بتواند روش انجام عملیات را بر مبنای نیل به تأثیرهای مورد نظر تنظیم کند.

بررسی ادبیات موضوع نشان می‌دهد که تحقیقات در مورد جنگ‌های آینده و نتایج حاصل از آن‌ها قابل توجه و مورد علاقه بسیاری از کارشناسان نظامی واقع شده است. شاید یکی از

^۱ . دستوری که برای انجام یک ماموریت به یگان داده می‌شود بدون این که نحوه^۱ اجرای آن ذکر شود.

دلایل این توجه و علاقه این است که تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی، یکی از عوامل مهم پیش‌بینی‌کننده عملیات تأثیر محور هستند. بنابراین بررسی رابطه موجود میان هریک از مؤلفه‌های سبک فرماندهی نظامی در عملیات تأثیرمحور امری پراهمیت و ضروری می‌باشد. این اقدامات اساساً بسیار منطقی و پایدار خواهد بود و در نهایت منجر به حفظ توان رزمی موجود در قرارگاه‌های منطقه‌ای و تاکتیکی نزا خواهد گشت که این مهم از اهمیت فراوان برخوردار می‌باشد.

پیشینه پژوهش

دپتولا^۱ در کتاب عملیات تأثیر محور تغییر ماهیت جنگ پایه و اساس جدید انفجار تفکر تأثیر محور را آشکار می‌کند (منزوی، ۱۳۸۸: ۴).

تصمیم‌گیری: به معنی برگزیدن یک‌راه کنش از میان راه‌چاره‌های مختلف است (سیریل اودانل، هرولد کونتز، هینز ویریچ، محمدهادی چمران، ۱۳۷۲: ۳۰۲).

سازماندهی: وظایف و اختیارات و مسئولیت‌های واحدها و پست‌ها مشخص و نحوه هماهنگی و ارتباط بین آن‌ها معین می‌شود. سازمان‌دهی، فعالیت مستمر و مداوم است که مدیر همواره با آن روبرو است و منحصر به طراحی سازمان در ابتدای آن نمی‌شود (الوانی، ۱۳۸۶: ۹۵).

جنگ موازی (هم‌زمان) در تعیین نحوه استفاده از نیرو در صحنه نبرد است. در این جنگ، هر هدف، روش و راه‌کاری برای هدف بعدی است و در نهایت با ارزش‌ترین هدف یعنی رهبری مورد اصابت قرار می‌گیرد (صارمی، ۱۳۹۳: ۲۷).

سلاح‌های نفوذ: نفوذ بهتر از تخریب برای صرف تخریب است. به این معنی که بهترین راه برای پیروزی، تهدید کردن است. در تهدید نیروی نظامی به عنوان منبع درد و رنج با تمرکز بر استفاده صرف از قدرت نظامی کافی جهت صدمه زدن به دشمن و تحقق تهدیدها (تسلیم دشمن) نگریسته می‌شود (زد جوباگی، سوری، ۱۳۸۵: ۷۴).

پیشینه تجربی

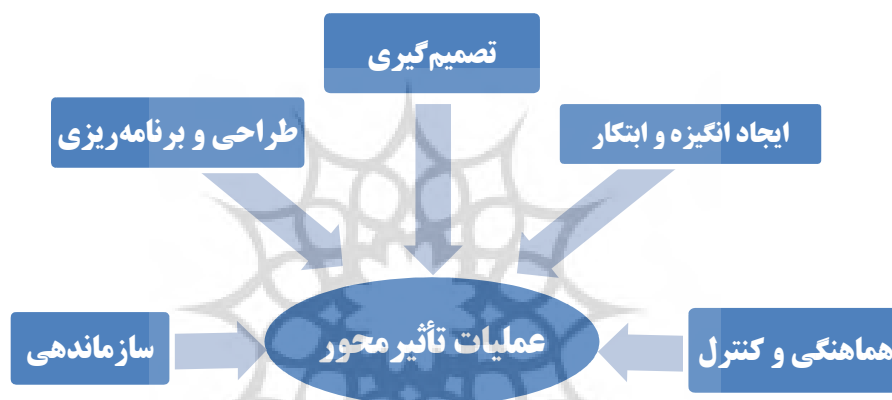
ساختار جنگ و نبرد به کار گرفته شده در نبرد هوایی خلیج فارس به عنوان جنگ موازی شناخته شده و مبتنی بر دستیابی به آثار خاص و نه تخریب مطلق فهرست‌های هدف است.

^۱ دیوید ای دپتولا ژنرال بازنشسته امریکایی

دپتولا استدلال کرد که به کارگیری رویکرد تأثیر محوری توسط برنامه‌ریزان نبرد هوایی خلیج فارس موجب تسهیل موفقیت جنگ هوایی، مفهوم جنگ موازی و پیروزی عمومی شد. جنگ موازی در اصل یک ایده قدرت و توان هوایی است که دپتولا آن را معادل مفهوم اخیر عملیات تعیین کننده فرض کرده است (منزوی، ۱۳۸۸: ۴).

توماس شلنگ^۱ در کتاب سلاح‌های نفوذ می‌گوید که نفوذ بهتر از تخریب برای صرف تخریب است. او از اصطلاح وادار کردن برای متقاعد ساختن دشمن استفاده می‌کند، به این معنی که بهترین راه برای پیروزی، تهدید کردن است. در تهدید نیروی نظامی به عنوان منبع درد و رنج با تمرکز بر استفاده صرف از قدرت نظامی کافی جهت صدمه زدن به دشمن و تحقق تهدیدها (تسلیم دشمن) نگریسته می‌شود (زد جوباگی، سوری، ۱۳۸۵: ۷۵).

مدل مفهومی پژوهش



شکل شماره ۱: مدل مفهومی پژوهش

روش‌شناسی پژوهش

با توجه به این که نتیجه تحقیق مورد استفاده نیروهای نظامی قرار گرفته و هدف آن تبیین فرماندهی یگان‌های تاکتیکی زمینی در عملیات تأثیرمحور می‌باشد لذا نوع تحقیق کاربردی است. این تحقیق با روش توصیفی و با رویکرد تحلیل کمی، فرماندهی یگان‌های تاکتیکی زمینی در عملیات تأثیرمحور را تبیین می‌کند. برای انجام این پژوهش، جمع‌آوری اطلاعات به دو روش میدانی و کتابخانه‌ای صورت گرفته است. برای این کار، اطلاعات موردنیاز از طریق

^۱ اقتصاددان آمریکایی و استاد روابط خارجی، امنیت ملی و استراتژی هسته‌ای دانشگاه مریلند کالج پارک

جستجوی کتابخانه‌ای، اینترنتی و بانک‌های اطلاعات داخلی و خارجی به دست آمده است. در روش میدانی نیز عمده اطلاعات از طریق پرسشنامه خودساخته جمع‌آوری شده است. پرسشنامه عملیات تاثیرمحور توسط محقق تهیه و مشتمل بر ۱۲ سوال است که در ۴ مؤلفه مورد بررسی قرار می‌دهد و پرسشنامه سبک فرماندهی نظامی مشتمل بر ۲۰ سوال است که سبک فرماندهی نظامی را در ۵ مؤلفه مورد بررسی قرار می‌دهد. پرسشنامه‌ها بر اساس طیف پنج گزینه‌ای لیکرت^۱ و مقیاس فاصله‌ای اندازه‌گیری گردیده و چگونگی تصمیم‌گیری، طراحی و برنامه‌ریزی، سازماندهی، هماهنگی و کنترل، ایجاد انگیزه و ابتکار نیروها در عملیات تأثیر محور به صورت تجزیه و تحلیل توصیفی اطلاعات انجام گردیده. تنظیم شده است. پایایی بدست آمده بر اساس فرمول ضریب آلفای کرونباخ برای پرسشنامه ۰/۸۷ می‌باشد. به منظور اطمینان از روایی پرسشنامه، تعدادی از اساتید و صاحب نظران جنگ ناهم‌تراز انتخاب شدند و پرسشنامه مقدماتی با توجه به نظرات و پیشنهادات آنان آماده شد. پس از بازبینی دقیق پیشنهادات ارائه شده که در راستای افزایش روایی و پایایی پرسشنامه بود، پرسشنامه نهایی تنظیم و برای فرماندهان و جانشینان قرارگاه‌های منطقه‌ای و تاکتیکی لشکرهای نزاجا ارسال شد. در انتها جهت نشان دادن هم‌پوشانی داده‌های حاصل از منابع، تحلیل نهایی انجام گردیده. جامعه آماری این تحقیق شامل تمامی فرماندهان و جانشینان در رده قرارگاه منطقه‌ای و قرارگاه تاکتیکی لشکرها در نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. جامعه آماری ذکر شده جمعاً ۳۰ نفر می‌باشند با توجه به این که تعداد قرارگاه‌های منطقه‌ای و تاکتیکی محدود می‌باشد لذا تعداد جامعه آماری با حجم نمونه برابر می‌باشد. جدول شماره ۱

جدول شماره ۱: جامعه آماری

| ردیف | گزینه‌ها | تعداد جامعه آماری | تعداد حجم نمونه |
|------|---|-------------------|-----------------|
| ۱ | فرمانده و جانشین قرارگاه منطقه‌ای نزاجا | ۱۰ | ۱۰ |
| ۲ | فرمانده و جانشین قرارگاه تاکتیکی لشکر نزاجا | ۲۰ | ۲۰ |
| ۳ | مجموع | ۳۰ | ۳۰ |

مبانی نظری پژوهش

نظریه مربوط به سبک فرماندهی نظامی

سبک فرماندهی نظامی به پنج بخش تصمیم‌گیری، طراحی و برنامه‌ریزی، سازماندهی، هماهنگی و کنترل، ایجاد انگیزه و ابتکار تقسیم می‌شود (حسینی، ۱۳۹۱: ۸۹).

^۱. Likert

نظریه‌های مربوط به عملیات تاثیر محور

عملیات تاثیر محور روشی برای طرح‌ریزی، اجرا و ارزیابی اقدامات طراحی شده برای رسیدن به نتایج مورد نظر به منظور دستیابی به نتایج مطلوب در حوزه امنیت ملی است (کرامت‌زاده، ۱۳۸۸: ۴).

رابرت پیپ^۱ در کتاب بمباران برای پیروزی چنین استدلال می‌کند که برای وادار کردن یا ارباب، مهم‌ترین ساز و کار تاثیر استراتژیک، تحمیل هزینه به دشمن است. دشمن مایل است بهائی برای به دست آوردن ارزش‌های مورد نظر خود پردازد، به شرطی که فایده بیشتر از هزینه باشد. ساز و کار اصلی برای این کار قدرت نظامی است. (منزوی، ۱۳۸۸: ۴)

جان واردن^۲ در کتاب موفقیت در جنگ مدرن دشمن را سیستمی می‌بیند که ورودی‌ها را به خروجی تبدیل می‌کند. ورودی‌ها ممکن است شامل چیزهائی فراوانی باشند، ولی بازده همان بقاء است. این سیستم کشوری خواهد بود و متشکل از پنج عنصر رهبری، اصول مبنائی، حمل و نقل، جمعیت و نیروهای حاضر در میدان. هر چه عنصری مهم‌تر باشد، صدمه کمتری لازم است تا بقای کشور مورد تهدید قرار گیرد (زد جوباگی، سوری، ۱۳۸۵: ۷۵) شکل شماره ۲.

۱. نیروی نظامی ۲. افراد (مردم) ۳. زیرساخت ۴. مبانی حیاتی (انرژی و پول) ۵. رهبری و ارتباطات



شکل شماره ۲: مدل عملیات تاثیر محور جان واردن (John Ashley Warden III (1994)

توماس شلنگ^۳ در کتاب سلاح‌های نفوذ می‌گوید که نفوذ بهتر از تخریب برای صرف تخریب است. او از اصطلاح وادار کردن برای متقاعد ساختن دشمن استفاده می‌کند، به این معنی که بهترین راه برای پیروزی، تهدید کردن است. در تهدید نیروی نظامی به عنوان منبع

۱. استاد علوم سیاسی در دانشگاه شیکاگو و بنیان‌گذار پروژه امنیت و تروریسم شیکاگو

۲. جان واردن افسر نیروی هوایی و مشاور امنیت ملی وقت آمریکا

۳. اقتصاددان آمریکایی و استاد روابط خارجی، امنیت ملی و استراتژی هسته‌ای دانشگاه مریلند کالج پارک

درد و رنج با تمرکز بر استفاده صرف از قدرت نظامی کافی جهت صدمه زدن به دشمن و تحقق تهدیدها (تسلیم دشمن) نگریسته می‌شود (زد جو باگی، سوری، ۱۳۸۵: ۷۵).

عملیات تأثیرمحور

عملیات تأثیرمحور یعنی اثر گذاشتن بر تفکر و رفتار دشمن، و نه صرفاً شکست دادن نیروهای او. عملیات تأثیرمحور نه صرفاً یک نبرد تاکتیکی است و نه اختصاصاً دارای ماهیتی نظامی، بلکه در برگیرنده طیف کاملی از اعمال سیاسی، اقتصادی و نظامی است که یک کشور ممکن است برای شکل دادن به رفتار دشمن به آن‌ها مبادرت ورزد. استراتژی تأثیرمحور وادار کردن دشمن به انجام خواست ماست. عملیات تأثیرمحور وسعت دید و انعطاف‌پذیری چشم‌گیری به ما می‌دهد. این تدبیر به عملیات نظامی در زمان صلح، بحران و جنگ در چارچوب یک تلاش ملی، سیاسی، اقتصادی و نظامی و منسجم نگاه می‌کند.

تدبیر عملیات تأثیرمحور یا به اختصار ^۱ EBO، شکل جدیدی از به‌کارگیری نیروست که در ابتدای سال‌های دهه ۱۹۹۰ مطرح گردید. قبل و طی قرن بیستم بیشتر درگیری‌های نظامی بین نیروهای متخاصمی رخ داد که سعی داشتند یکدیگر را در میدان نبرد نابود کنند. این هدف که مبتنی بر دو استراتژی غالب آن زمان، یعنی نابودی و فرسایش، بود منجر به جنگ‌های خونین و طولانی شد. این طرز تفکر تخریب محور به تدریج در اثر سببیت روزافزون نبردها در قرن بیستم تغییر کرد (زد جو باگی، سوری، ۱۳۸۵: ۶۳).

سقوط اتحاد جماهیر شوروی همراه با فروپاشی پیمان ورشو به ۵۰ سال جنگ سرد پایان داد. این دگرگونی مهم باعث تغییرات فراگیری در شیوه‌های جنگیدن شد. شیوه‌های جدید تفکر و شیوه‌های جدید جنگیدن در آمریکا برای مقابله با طیف وسیعی از دشمنان غیر قابل پیش‌بینی و مخالف با نظم جهانی موجود شکل گرفته است. برای مقابله با چالش‌های آینده باید تمام ابزارهای قدرت ملی را برای کاستن یا مهار کردن منابع بالقوه تهدید از راه ارباب دائمی و موثر به کار گرفت. از زمان جنگ دوم خلیج فارس در سال ۱۹۹۱ نیروی هوایی آمریکا در همه عملیات‌های نظامی بر اساس تدبیر عملیاتی تأثیرمحور و با تاکید بر اهداف استراتژیک، به کار گرفته شده است. جنگیدن در چارچوب عملیات تأثیرمحور به ما امکان می‌دهد در مورد

^۱. Effects Based Operations

شیوه‌های غیر از تخریب صرف نیروهای دشمن فکر کنیم. عملیات تأثیرمحور به معنی رسیدن به هدف از طریق دستیابی به اثرائتی است که به دنبال آن‌ها هستیم. این تغییر فکری باعث آزاد شدن منابع و به حداقل رسیدن میزان خسارات و تلفات جانی می‌شود. عملیات تأثیرمحور یک سکوی پرش عالی برای رسیدن به اهداف و مقاصد امنیتی‌بیه شیوه‌ای منسجم و یک‌دست از طریق ارتباط دادن بهتر ارکان امنیت به یکدیگر است.

ابعاد عملیات تأثیرمحور

اگر مفهوم عملیات تأثیرمحور جدید نیست، چه چیزی تغییر کرده که آن را از راهبرد سازی سنتی متفاوت کرده است؟ یک استدلال این است که روش به‌کارگیری نیرو تغییر کرده است و عملیات حمله به عراق شواهدی از تکامل عملیات تأثیرمحور ارائه کرد. بهتر است که به ابعاد راهبردی، عملیاتی و تاکتیکی عملیات تأثیرمحور توجه کنیم تا ببینیم، چگونه تکامل یافته است.

در سطح تاکتیکی می‌توان عملیات تأثیرمحور را روش‌شناسی، برنامه‌ریزی انجام عملیات در نظر گرفت. روش‌شناسی و برنامه‌ریزی به راهبرد ارتباط‌های کاری، ترکیب با دیگر فرایندهای برنامه‌ریزی و استفاده از ابزار نظامی و غیرنظامی برای مهار دشمن تاکید دارد. عملیات حمله به عراق نمونه‌ای از این فرایند برنامه‌ریزی است که در آن راهبرد ملی با اهداف عملیاتی ترکیب شده بود. راهبرد ملی تغییر نظام، حذف سلاح‌های کشتار جمعی و مهار تروریست‌ها در عراق بود (حیدری، ۱۳۹۲: ۸۶).

در سطح عملیاتی، عملیات تأثیرمحور مترادف با سلطه سریع یا مفهوم شناخته‌شده‌تر رهنامه شوک و بهت است. سلطه سریع یا عملیات تعیین‌کننده سریع با به‌کارگیری یک سلسله موج‌های حملات نیرومند علیه بسیاری از اهداف با ترکیب نیروهای دریائی، هوائی، زمینی و فضائی برای تاثیر گذاری بر درک دشمن و در صورت امکان شامل تصرف و اشغال فیزیکی خاک دشمن است. انجام عملیات حمله به عراق نمونه‌ای قابل رویت از این نظریه ارائه کرد که در آن حملات موشک‌های کروز و بمباران هوائی صدها هدف به موازات استقرار نیروهای رزمایشی در روی زمین صورت گرفت. نیروهای رزمی با چنان سرعتی حرکت می‌کردند که به موازات استقرار نیروهای رزمایشی بر روی زمین، در مدت ۱۳ روز به فرودگاه بغداد در فاصله ۲۰ کیلومتری مرکز شهر رسیدند. در این سطح، عملیات تأثیرمحور را می‌توان تعامل و همکاری بین فرمانده عملیات و دیگر بازیگران کلیدی نبرد برای مقابله با عدم قطعیت انجام عملیات در مقابل دشمنی پیچیده و انطباق‌پذیر فرض کرد (حیدری، ۱۳۹۲: ۸۷).

در سطح راهبردی، عملیات تأثیرمحور را می‌توان به عنوان کاربرد تمامی منابع قدرت ملی، سیاسی، نظامی، اقتصادی و دیپلماتیک برای پرداختن به تمام عناصر قدرت ملی دشمن در نظر گرفت. این ادعا وجود دارد که اتکا به یک منبع قدرت ملی به شیوه‌ای اجتناب‌ناپذیر موجب کاهش تاثیرگذاری کلی شده و انطباق دشمن با یک شکل حمله را به نسبت آسان می‌کند. عملیات آزادسازی عراق مثال محدودی از کاربرد این مفهوم است. پیش از متوسل شدن به زور از اقداماتی همچون تحریم‌های اقتصادی علیه صادرات نفت عراق پس از عملیات طوفان صحرا و مذاکرات دیپلماتیک در شورای امنیت سازمان ملل استفاده شده بود. تشکیل یک ائتلاف برای انجام عملیات و اجرای آن با استفاده از نیروهای مرکب، این اطمینان را به وجود آورد که آمریکا به تنهایی عمل نمی‌کند (منزوی، ۱۳۸۱: ۸۶).

هدف از عملیات تأثیرمحور

هدف از این عملیات هم‌افزا و هماهنگ است به گونه‌ای که منجر به ایجاد تاثیرهای مطلوب و مورد نظر شود. ارزیابی‌های مستمر از دشمن، اقدامات سیاسی و نظامی نیروهای خودی و همچنین موقعیت و وضعیت متحدان باعث می‌شود تا فرمانده بتواند روش انجام عملیات را بر مبنای نیل به تاثیرهای مورد نظر تنظیم کند.

ویژگی‌های عملیات تأثیرمحور

۱. تمرکز بر برتری و اولویت تصمیمات
۲. قابل کاربرد و استفاده در زمان جنگ و صلح
۳. علاوه بر تاثیرهای مستقیم و فوری، بر تاثیرهای غیر مستقیم و طولانی مدت نیز متمرکز می‌شود.
۴. درک و دانش نسبت به سامانه‌های دشمن
۵. توانایی سازگاری و وفق‌پذیری منظم و اصولی
۶. استفاده از عناصر قدرت ملی
۷. توانایی تصمیم‌گیری مناسب و مطابق با قواعد و فرضیات واقعی (صارمی، پرواس، ۱۳۸۶: ۲۱).

تعاریف عملیات تأثیرمحور

فرآیند کسب یک نتیجه یا تاثیر استراتژیک مطلوب بر دشمن از طریق کاربرد هم‌افزا و تجمعی انواع قابلیت‌های نظامی و غیرنظامی در تمام سطوح نبرد. عملیات تأثیرمحور بیانگر رویکرد یا

شیوه تفکری است برای طرح‌ریزی، اجرا و ارزیابی عملیات نظامی، با تاکید بیشتر برای نتایج اقدامات نظامی و نیز توجیه نحوه پیدایش آن نتایج و توجه کمتر به صرف اجرای آتش، حجم مهمات مورد استفاده و منابع مادی تخصیص یافته هدف نهائی عملیات تاثیر محور، یافتن راهی است که از طریق اقدامات مناسب بتوان رفتار دشمن را تغییر داد (محمدی‌نجم، ۱۳۸۷: ۱۸۹). عملیات تاثیر محور به عنوان فرآیندی برای دستیابی به نتیجه یا تاثیر استراتژیک مطلوب بر دشمن از طریق کاربرد هم‌افزا و جمعی انواع قابلیت‌های ملی در تمام سطوح نبرد تعریف می‌شوند (زد جوپاگی، سوری، ۱۳۸۵: ۶۰).

ریشه‌های عملیات تاثیر محور

جان واردن کسی بود که شالوده عملیات تاثیر محور را با ترسیم دشمن به عنوان یک سیستم و جنگ‌های آینده را به عنوان جنگ موازی پایه‌ریزی کرد. به اعتقاد او، برتری فناورانه به آمریکا امکان خواهد داد به صورت همزمان به اهداف متعدد حیاتی در سطحی استراتژیک حمله کند و به این ترتیب سیستم دشمن را بدون این که امکان واکنش به موقع داشته باشد منهدم سازد. دپتولا^۱ مفهوم جنگ موازی را با بیان این که اعمال سریع قدرت، بهتر از حضور نیرو باعث دستیابی به اهداف می‌شود، گسترش داد. به نظر او فناوری کاربرد و لزوم استفاده از نیروهای زمینی را کاهش داده است.

فرآیند طرح‌ریزی عملیات تاثیر محور

فرآیند طرح‌ریزی عملیات تاثیر محور به صورت چرخه‌ای از طرح‌ریزی و اجرای دائمی و تکراری تصور می‌شود که دارای پنج مرحله است:

۱. آگاهی کافی از ماهیت دشمن، محیط و قابلیت‌های خودی با انجام برآورد خالص عملیاتی
۲. بیان تاثیرات مطلوب مورد نیاز به شکل یک دستور ماموریتی برای شکستن انسجام دشمن و تغییر دادن رفتار او.
۳. تعیین و کاربرد عناصر قدرت ملی (دیپلماتیک، اطلاعاتی، نظامی و اقتصادی) که بیشترین تاثیر را در دستیابی به تاثیرات مطلوب خواهد داشت.
۴. اجرای فرآیند برآورد مستمر و جامع برای سنجش و ارزیابی اثر تاثیرات به وجود آمده.

^۱ دیوید ای دپتولا ژنرال بازنشسته امریکایی

۵. تصمیم‌گیری در مورد راه‌هایی که فرمانده می‌تواند راه‌کار جاری را به منظور رسیدن به حالت نهائی مطلوب تطبیق دهد یا تعدیل کند.

مشخصه‌ای که طرح‌ریزی تأثیرمحور را از طرح‌ریزی هدف محور سنتی متمایز می‌کند عبارتست از آگاهی وسیع‌تر و عمیق‌تر نسبت به دشمن از طریق کنار هم قرار دادن اطلاعاتی که از منابع مختلف به دست آمده است. یک تیم شبکه‌ای و توزیع شده از کاشناسان فرهنگی، رفتاری، فنی، اقتصادی، سیاسی و نظامی این آگاهی را از طریق تحلیل پیچیده سیستم‌ها به دست می‌آورند. عملیات تأثیرمحور گامی فراتر از اقداماتی است که به کسب یک هدف منجر می‌شود.

سبک فرماندهی نظامی

تصمیم‌گیری

یکی از وظایف عمده مدیران تصمیم‌گیری است. طبق نظر برخی کارشناسان علم مدیریت چنانچه تصمیم‌گیری را از مدیریت جدا کنیم مدیریت مفهومی ندارد. در عین حال ماهیت تصمیم‌گیری در رده‌های پایینی، میانی و عالی سازمان‌ها متفاوت است. در رده‌های پایین سازمان تصمیمات معمولاً از پیش تعیین شده هستند و در یک چهارچوب مقرراتی مثل آیین نامه‌ها و بخشنامه‌ها برای اجرا به آنان ابلاغ می‌شود اما در رده عالی تصمیمات از قبل تعیین شده نیستند و تصمیم‌گیری بسیار مشکل است و نیاز به اطلاعات، تجربه و همفکری دارد. در شرایط بحرانی و جنگ، تصمیم‌گیری برای رده‌های عالی جنگ بسیار مشکل‌تر است چرا که در شرایط بحران محدودیت زمان، کمبود اطلاعات، محدودیت منابع و تهدیدات دشمن، تنگناهای سختی را ایجاد می‌کند. ملاحظه دیگر در امر تصمیم‌گیری که بسیار مهم و تعیین کننده است نقش ارزش‌های فردی مدیر و فرمانده یا رهبر است. انسان موجودی است که در تمامی فرایندهای تصمیم‌گیری محور اصلی به شمار می‌آید و تابع اعتقادات، باورها، طرز تلقی‌ها و ارزش‌هایی که محرک وی و شکل دهنده اندیشه و رفتار او می‌باشند. ارزش‌های فرد واقعیت‌های ملموس و قابل اثباتی هستند زیرا اثرات و پیامدهای آن‌ها را می‌توان به سادگی در رفتارهای فرد مشاهده کرد. در مورد مدیران و فرماندهان، این مسئله به‌وفور صدق می‌کند. شایان ذکر است انسان‌ها ارزش‌های خود را از مذهب، خانواده، اجتماع، فرهنگ و محیطی که در آن زندگی می‌کنند اخذ می‌نمایند. البته ارزش‌ها در طول زندگی شکل گرفته و تغییر و تحول می‌یابند (حسینی، ۱۳۹۱: ۸۹).

طراحی و برنامه ریزی

برنامه ریزی عبارت است از تفکر در کلیات و جزئیات برنامه و یا به عبارت دیگر تعیین و اتخاذ شیوه و روش هایی که ما را به بهترین نتیجه مطلوب برساند. برنامه نشان می دهد که هدفها چگونه باید تحقق یابند. بدون برنامه ریزی هرگز نباید و نمی توان وارد مرحله عمل شد.

شرایط برنامه ریزی:

۱. برنامه، باید دقیق و از نظر کمی و کیفی کاملاً روشن باشد.
 ۲. برنامه باید از هرگونه ابهام و کلی گویی خالی بوده، تماماً جنبه عملی و عینی داشته باشد.
 ۳. در برنامه ریزی می باید برآورد نیروی انسانی، هزینه ها، ابزار، وسائل و سایر منابع مورد نیاز دقیقاً محاسبه شود.
 ۴. در برنامه ریزی باید همیشه محلی برای حوادث پیش بینی نشده در نظر گرفته شود.
- (حسینی، ۱۳۹۱: ۸۹)

در طراحی و برنامه ریزی همیشه طراحی ذهنی خویش را بر روی کاغذ می آورد و با ارائه به همکاران، آن ها را در تصمیم گیری مشارکت می داد و بدین وسیله آن ها را تکریم می کرد و از همکاری و مساعدت آن ها بهره می جست و معتقد بود اگر نیت و عمل ما خالص برای جهاد در راه خدا باشد او بهترین طرح و برنامه را به ما الهام خواهد کرد.

سازماندهی

پس از تعیین هدف و یا اهداف اجرایی و تهیه برنامه و نقشه کار، مدیر به دنیای عمل گام می گذارد و در این مرحله سازماندهی نیروها و امکانات، جهت تحقق برنامه لازم و ضروری است. سازماندهی مستلزم آن است که منابع به مؤثرترین شیوه برای حصول هدف ها فراهم شود. هدف از سازماندهی، تقسیم کار در یک مجموعه به گونه ای که:

۱. هیچ کاری بدون مسئول نماند و در عین حال از تداخل و تضاد مسئولیتها، جلوگیری به عمل آید.
۲. هر کاری به افرادی که دقیقاً از عهده آن بر می آیند سپرده شود.
۳. کل افراد به صورت یک مجموعه کاملاً منسجم عمل کنند، به طوری که کار هر یک، مکمل دیگری باشد.
۴. سلسله مراتب در تقسیم کار باید مد نظر قرار گرفته و رعایت شود.
۵. تمام افراد از طریق سلسله مراتب با مدیریت یا فرماندهی در ارتباط باشند. (حسینی، ۱۳۹۱: ۸۹)

هماهنگی و کنترل

یکی از وظایف مهم فرمانده یا مدیر ایجاد هماهنگی است. هر قدر یک سازمان گسترده‌تر و پیچیده‌تر باشد مسئله هماهنگی در آن حساس‌تر می‌شود. ارتباط فرماندهان یا مدیران با افراد تحت فرماندهی یا مدیریت آنان هرگز نباید به شکل استبدادی در آید که جرأت اظهار نظر نداشته باشند. اما این سخن بدان معنا نیست که حفظ اصول انضباط و سلسله مراتب و قاطعیت به فراموشی سپرده شود. بلکه جمع بین انضباط و برادری از کارهای بسیار ظریفی است که تنها استعداد و ابتکار فرمانده یا مدیر و آموزش مستمر فرهنگی نفرات می‌تواند آن را تضمین کند (رشید زاده، ۱۳۸۷، ۶۱).

ایجاد انگیزه و ابتکار

انگیزه عبارت است از ایجاد شوق رسیدن به چیزی یا انجام کاری یا درک عقیده‌ای که باعث پویایی و تحرک در یک سازمان می‌گردد. ایجاد انگیزه باعث حرکت نیروهای نهفته انسان‌ها در جهت تحقق اهداف می‌شود. روانشناسان معتقدند تشویق کارکنان و ایجاد انگیزه در آنان در موفقیت سازمان‌ها و یگان‌های تحت امر فرماندهان، نقش مؤثری دارد. (حسینی، ۱۳۹۱: ۸۹)

یافته‌های پژوهش

آزمون (کولموگروف - اسمیرنوف)^۱ به بررسی توزیع متغیرهای موجود در نمونه می‌پردازد. این آزمون فرض نورمالیتی را آزمون می‌کند و اگر مقدار احتمال بیشتر از ۰/۰۵ باشد بدین معنی است که متغیرها از توزیع نرمال برخوردار بوده و برای آزمون فرضیه‌های تحقیق می‌توان از آزمونهای پارامتری (پیرسون و رگرسیون ...) استفاده کرد. خروجی‌های این آزمون و تفسیر آن در جدول شماره ۲ می‌باشد:

جدول شماره ۲: خروجی آزمون

| مقدار احتمال | مقدار Z | متغیر |
|--------------|---------|-----------------------|
| ۰/۱۰۹ | ۰/۸۴۲ | هماهنگی و کنترل |
| ۰/۱۳۰ | ۰/۴۶۴ | سازماندهی |
| ۰/۱۱۴ | ۰/۳۱۳ | طراحی و برنامه ریزی |
| ۰/۱۱۹ | ۰/۸۱۴ | تصمیم‌گیری |
| ۰/۱۱۵ | ۰/۹۸۷ | ایجاد انگیزه و ابتکار |
| ۰/۶۵۱ | ۰/۸۹۲ | عملیات تاثیر محور |

^۱ Kolmogorov-Smirnov test یا به انگلیسی test K-S از نوع آزمون‌های آماری ناپارامتری است.

همانطور که در جدول فوق مشاهده می شود مقدار احتمال به دست آمده برای متغیرهای هماهنگی و کنترل، سازماندهی و طراحی و برنامه ریزی و تصمیم گیری و ایجاد انگیزه و ابتکار با عملیات تأثیرمحور بیشتر از ۰/۰۵ است. بدین معنی که، فرض نرمال بودن توزیع متغیرها رد نمی شود و استفاده از آزمون های پارامتری مجاز است.

در قسمت قبل مشخص گردید که متغیر وابسته از توزیع نرمال پیروی می کند، بنابراین اولین شرط استفاده از رگرسیون برآورده شد.

در این قسمت شرط دوم، یعنی همبسته نبودن خطاها را بررسی شده است. برای انجام این مهم از آزمون دوربین واتسون^۱ استفاده شده است.

چنانچه آماره دوربین واتسون در بازه ۱/۵ و ۲/۵ قرار گیرد، فرض صفر (عدم همبستگی بین خطاها) پذیرفته می شود و در غیر اینصورت فرض صفر رد می شود. (همبستگی بین خطاها وجود دارد) در این قسمت برای تسریع در عملیات تجزیه و تحلیل این آماره را با استفاده از نرم افزار SPSS به دست آورده شده که مقدار ۱/۷۶۹ می باشد. همانطور که گفته شد چون این مقدار در بازه ۱/۵ و ۲/۵ قرار دارد، لذا عدم وجود همبستگی بین خطاها رد نمی شود و می توان از رگرسیون استفاده نمود.

در نهایت به بررسی آخرین شرط برای اجرای رگرسیون می پردازیم:

هم خطی وضعیتی است که نشان می دهد یک متغیر مستقل تابعی از سایر متغیرهای مستقل است. اگر هم خطی در رگرسیون بالا باشد، به این معنی است که بین متغیرهای مستقل همبستگی بالایی وجود دارد و ممکن است مدل دارای اعتبار نباشد (علیرغم بالا بودن ضریب تعیین). در این قسمت نیز برای بررسی هم خطی از نرم افزار SPSS استفاده می کنیم. نتیجه شامل دو خروجی می باشد که در زیر به تحلیل آن ها می پردازیم:

جدول شماره ۳: مقادیر تولرانس و VIF

| Model | Collinearity Statistics | |
|-----------------------|-------------------------|-------|
| | Tolerance | VIF |
| (Constant) | | |
| هماهنگی و کنترل | ۰/۹۲۱ | ۱/۰۰۱ |
| سازماندهی | ۰/۸۱۸ | ۱/۰۰۱ |
| طراحی و برنامه ریزی | ۰/۸۰۰ | ۱/۰۰۱ |
| تصمیم گیری | ۰/۹۰۰ | ۱/۰۰۱ |
| ایجاد انگیزه و ابتکار | ۰/۹۰۰ | ۱/۰۰۱ |

^۱. Durbin-Watson d Test

در خروجی اول مقادیر تولرانس و VIF^1 (عامل تورم واریانس) نمایش داده شده است. هرچه مقدار تولرانس کم باشد اطلاعات مربوط به متغیرها کم بوده و مشکلاتی در استفاده از رگرسیون ایجاد می‌شود. عامل تورم واریانس نیز معکوس تولرانس بوده و هرچقدر افزایش یابد باعث می‌شود واریانس ضرایب رگرسیون افزایش یافته و رگرسیون را برای پیش بینی نامناسب می‌کند.

جدول شماره ۴: مقادیر ویژه و شاخص وضعیت

| Model | Dimension | مقادیر ویژه | شاخص وضعیت |
|-------|-----------|-------------|------------|
| ۱ | ۱ | ۲/۹۲۶ | ۱/۰۰۰ |
| | ۲ | ۰/۱۴۸ | ۷/۷۷۵ |
| | ۳ | ۰/۱۲۶ | ۱۰/۶۰۱ |
| | ۴ | ۰/۱۱۴ | ۴/۰۰۷ |

خروجی بعدی به ترتیب مقادیر ویژه و شاخص وضعیت را نمایش می‌دهد. مقادیر ویژه نزدیک به صفر نشان می‌دهد همبستگی داخلی پیش بینی‌ها زیاد است و تغییرات کوچک در مقادیر داده‌ها به تغییرات بزرگ برآورد ضرایب معادله رگرسیون منجر می‌شود. شاخص‌های وضعیت با مقدار بیشتر از ۱۵ نشان دهنده احتمال هم خطی بین متغیرهای مستقل می‌باشد و مقادیر بیشتر از ۳۰ بیانگر مشکلات جدی در استفاده از رگرسیون در وضعیت موجود در آن است. همانطور که مشاهده می‌شود در این مسئله تمامی مقادیر ویژه از صفر فاصله دارند و شاخص‌های وضعیت نیز کمتر از ۱۵ می‌باشند. بنابراین هم خطی قابل توجهی بین متغیرهای مستقل وجود ندارد. به این ترتیب هر سه شرط ذکر شده برای انجام رگرسیون برقرار می‌باشد. پس از بررسی مفروضات رگرسیونی و برقرار شدن تمامی شروط لازم آن، در این قسمت مدل رگرسیون خطی چندگانه برازش می‌شود.

پس از ورود داده‌ها به نرم افزار و انجام محاسبات لازم خروجی‌های ۳ جدول زیر به دست می‌آید:

در جدول شماره ۵ که نشان دهنده خلاصه‌ای از مدل رگرسیونی می‌باشد، ستون ضریب همبستگی چندگانه بیان کننده میزان همبستگی بین متغیر تابع (عملیات تاثیر محور) و متغیرهای مستقل تحقیق (هماهنگی و کنترل، سازماندهی، طراحی و برنامه ریزی، تصمیم‌گیری، ایجاد انگیزه و ابتکار) می‌باشد. این همبستگی به میزان ۹۰٪ می‌باشد، که گویای

¹. Variance Inflation Factor

تأثیر بسزایی است که مؤلفه‌ها بر عملیات تأثیر محوردارا هستند. ستون ضریب تعیین بیان کننده مقدار پیش گویی متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل می باشد. یعنی با دقت ۸۹ درصد می توان عملیات تأثیر محور را از روی مؤلفه‌های ذکر شده تعریف نمود.

جدول شماره ۵: خلاصه مدل رگرسیونی

| ضریب همبستگی چندگانه | ضریب تعیین | ضریب تعیین تعدیل شده | خطای معیار تخمین |
|----------------------|------------|----------------------|------------------|
| ۰/۸۹۷ | ۰/۸۸۹ | ۰/۸۸۵ | ۲/۳۲۸ |

جدول شماره ۶ نشان دهنده تحلیل واریانس رگرسیون به منظور بررسی وجود رابطه خطی بین متغیرهای مستقل و تابع است. در خروجی زیرمقدار احتمال کمتر از ۰/۰۵ می باشد لذا بیان گر آن است که دست کم یکی از متغیرهای مستقل دارای رابطه خطی با متغیر تابع است و بنابراین مدل رگرسیونی برازش شده معنی دار می باشد.

جدول شماره ۶: تحلیل واریانس رگرسیون

| مدل | مجموع مربعات | درجه آزادی | میانگین مربع | مقدار F | مقدار احتمال |
|-----------|--------------|------------|--------------|---------|--------------|
| رگرسیون | ۵۱۲/۵۲۲ | ۵ | ۱۲۸/۱۳۱ | ۶/۷۶۱ | /۰۰۱ |
| باقیمانده | ۱۳۲۶/۶۲۵ | ۲۴ | ۱۸/۹۵۲ | | |
| مجموع | ۱۸۳۹/۱۴۷ | ۲۹ | | | |

در جدول شماره ۷ که به جدول ضرایب معروف است، ضریب‌های متغیرهای مستقل و میزان تأثیر آنها بر متغیر تابع و همچنین بررسی معنی داری تک تک ضرایب انجام می شود. مشاهده می شود که تمامی مقادیر احتمال درج شده در جدول کوچکتر از ۰/۰۵ می باشد. این امر بیانگر این مطلب می باشد که فرض تساوی ضرایب رگرسیونی با صفر رد می شود و تمامی متغیرها وارد مدل می شوند. در واقع تمامی مؤلفه‌های بررسی شده در پژوهش بر عملیات تأثیر محور تأثیر گذارند و با آن رابطه دارند. حال با توجه به اعداد ستون Beta داریم: متغیری که بیشترین تأثیر را بر روی عملیات تأثیر محوری گذارد، مؤلفه تصمیم‌گیری می باشد. ($Beta=0/366$) مؤلفه طراحی و برنامه‌ریزی در جایگاه دوم ($Beta=0/169$) و مؤلفه سازماندهی در جایگاه سوم ($Beta=0/153$) و مؤلفه هماهنگی و کنترل در جایگاه چهارم ($Beta=0/114$) و مؤلفه ایجاد انگیزه و ابتکار ($Beta=0/099$) در جایگاه پنجم قرار دارد.

جدول شماره ۷: ضریب متغیرهای مستقل و میزان تاثیر آنها بر متغیر تابع

| مدل | ضرایب غیر استاندارد | | ضرایب استاندارد شده | |
|-----------------------|---------------------|-----------|---------------------|---------|
| | B | Std.Error | Beta | مقدار t |
| عملیات تاثیر محور | ۱/۱۶۱ | ۳/۹۴۰ | | ۷/۱۴۸ |
| هماهنگی و کنترل | ۰/۱۶۹ | ۱/۶۶۱ | ۰/۱۱۴ | ۰/۳۱۳ |
| سازماندهی | ۰/۲۶۴ | ۰/۹۶۵ | ۰/۱۵۳ | ۱/۰۳۱ |
| طراحی و برنامه‌ریزی | ۰/۷۱۰ | ۰/۶۲۸ | ۰/۱۶۹ | ۲/۷۲۳ |
| تصمیم‌گیری | ۰/۲۶۴ | ۰/۴۳۰ | ۰/۳۶۶ | ۱/۰۰۷ |
| ایجاد انگیزه و ابتکار | ۰/۱۱۵ | ۱/۰۰۱ | ۰/۰۹۹ | ۲/۱۱۲ |

با توجه به برآزش رگرسیون فوق معلوم گردید که تمامی متغیرهای هماهنگی و کنترل، سازماندهی، طراحی و برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری و ایجاد انگیزه و ابتکار بر روی عملیات تأثیرمحور به طرز مثبتی (با توجه به علائم ضرایب ستون B) تاثیر گذار می‌باشند. در نهایت معادله رگرسیونی برآزش شده به شرح زیر می‌باشد:

عملیات تاثیر محور (۱/۱۶۱) هماهنگی و کنترل (۰/۱۶۹) سازماندهی (۰/۲۶۴) طراحی و برنامه‌ریزی (۰/۷۱۰) تصمیم‌گیری (۰/۲۶۴) ایجاد انگیزه و ابتکار (۰/۱۱۵)

نتیجه‌گیری

پس از مطالعه ادبیات موضوع و استخراج عوامل تاثیرگذار بر عملیات تأثیرمحور، نتایج تحلیل آماری نشان داد تمام مقادیر احتمال درج شده در جدول شماره ۷ کوچک‌تر از ۰/۵ می‌باشد. این امر بیانگر این مطلب می‌باشد که فرض تساوی ضرایب رگرسیونی رد می‌شود و تمام متغیرها وارد مدل می‌شوند. در واقع تمامی مؤلفه‌های سبک فرماندهی بر عملیات تأثیرمحور تاثیرگذارند و با آن رابطه معنی‌دار دارند.

متغیری که بیشترین تاثیر را بر روی عملیات تأثیرمحور می‌گذارد، مؤلفه تصمیم‌گیری می‌باشد. ماهیت تصمیم‌گیری در رده‌های پایینی، میانی و عالی سازمان‌ها متفاوت است. در رده‌های پایین سازمان تصمیمات معمولاً از پیش تعیین شده هستند و در یک چهارچوب مقرراتی مثل آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌ها برای اجرا به آنان ابلاغ می‌شود اما در رده‌های عالی، تصمیمات از قبل تعیین شده نیستند و تصمیم‌گیری بسیار مشکل است و نیاز به اطلاعات، تجربه و همفکری دارد. تصمیم‌گیری در عملیات تأثیرمحور برای رده‌های عالی جنگ بسیار مشکل‌تر است چرا که در شرایط بحران محدودیت زمان، کمبود اطلاعات، محدودیت منابع و تهدیدات دشمن، تنگناهای سختی را ایجاد می‌کند مؤلفه مهمی که در امر تصمیم‌گیری بسیار مهم و تعیین

کننده است نقش ارزش‌های فردی فرمانده است. پس نقش ارزش‌های فردی فرمانده در عملیات تأثیرمحور می‌تواند تاثیر بسزائی داشته باشد.

دومین مؤلفه سبک فرماندهی نظامی که در عملیات تأثیرمحور نقش بسزائی دارد مؤلفه طراحی و برنامه‌ریزی است. طراحی و برنامه‌ریزی یعنی تفکر در کلیات و جزئیات برنامه و یا تعیین و اتخاذ شیوه و روش‌هایی که ما را به بهترین نتیجه مطلوب برساند. برنامه نشان می‌دهد که هدف‌ها چگونه باید تحقق یابند. طراحی و برنامه‌ریزی در عملیات تأثیرمحور بایستی دقیق و از نظر کمی و کیفی کاملاً روشن باشد و از هرگونه ابهام و کلی‌گویی عاری بوده و تماماً جنبه عملی و عینی داشته باشد در طراحی و برنامه‌ریزی در عملیات تأثیرمحور به شاخص برآورد نیروی انسانی، هزینه‌ها و ابزار دقیقاً محاسبه شود.

سومین مؤلفه سبک فرماندهی نظامی که در عملیات تأثیرمحور نقش بسزائی دارد مؤلفه سازماندهی است. پس از تعیین هدف و یا اهداف اجرایی و تهیه برنامه و نقشه کار فرمانده به دنیای عمل گام می‌گذارد و در این مرحله سازماندهی نیروها و امکانات، جهت تحقق برنامه لازم و ضروری است. سازماندهی مستلزم آن است که منابع به مؤثرترین شیوه برای حصول هدف‌ها فراهم شود. هیچ‌کاری بدون مسئول نماند و در عین حال از تداخل و تضاد مسئولیت‌ها، جلوگیری به عمل آید، هرکاری به افرادی که دقیقاً از عهده آن بر می‌آیند سپرده شود و کل افراد به صورت یک مجموعه کاملاً منسجم عمل کنند، به طوری که کار هر یک، مکمل دیگری باشد، سلسله مراتب در تقسیم کار و نیز افراد از طریق سلسله مراتب با فرماندهی در ارتباط باشند.

چهارمین مؤلفه سبک فرماندهی نظامی که در عملیات تأثیرمحور نقش بسزائی دارد مؤلفه هماهنگی و کنترل است وظیفه مهمی که فرمانده در عملیات تأثیرمحور به عهده دارد ایجاد هماهنگی است. هر قدر یک سازمان گسترده‌تر و پیچیده‌تر باشد مسئله هماهنگی در آن حساس‌تر می‌شود. ارتباط فرماندهان با افراد تحت امر خود نباید به شکل استبدادی در آید که جرأت اظهار نظر نداشته باشند. اما این سخن بدان معنا نیست که حفظ اصول انضباط و سلسله مراتب و قاطعیت به فراموشی سپرده شود. بلکه جمع بین انضباط و برادری از کارهای بسیار ظریفی است که تنها استعداد و ابتکار فرمانده و آموزش مستمر فرهنگی نفرات می‌تواند آن را تضمین کند.

پنجمین مؤلفه سبک فرماندهی نظامی که در عملیات تأثیرمحور نقش بسزائی دارد مؤلفه ایجاد انگیزه و ابتکار است. انگیزه یعنی ایجاد شوق رسیدن به چیزی یا انجام کاری یا درک عقیده‌ای

که باعث پویایی و تحرک در یک سازمان می‌گردد. ایجاد انگیزه باعث حرکت نیروهای نهفته انسان‌ها در جهت تحقق اهداف می‌شود. تشویق کارکنان و ایجاد انگیزه در آنان در موفقیت سازمان‌ها و یگان‌های تحت امر فرماندهی نقش موثری دارد. اعتماد به فرماندهان و افراد زیردست خود و ارزش نهادن به خدمات و زحمات آنان و علاوه بر تشویقات مادی برای ایجاد انگیزه از راه کارهای معنوی نیز می‌توان در عملیات تأثیرمحور بهره جست. در این حالت است که افراد از تمام ظرفیت‌شان برای انجام کارها استفاده می‌کنند.

منابع

- الوانی، سیدمهدی (۱۳۸۸)، تصمیم‌گیری و تعیین خط‌مشی دولتی (چاپ اول)، تهران، انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی
- زد، جویاگی (۱۳۸۵)، مترجم سهراب سوری، عملیات تأثیر محور، تهران، انتشارات دانشگاه امام حسین
- صارمی رسولی، کریم، پرواس، سیدرضا (۱۳۸۶) جنگ ناهم‌تراز، تهران، انتشارات دافوس آجا
- حیدری، کیومرث (۱۳۹۲) آسیب‌پذیری قدرتهای بزرگ در محیط جنگ ناهم‌تراز، انتشارات دافوس آجا
- جوزف‌نای (۱۳۹۲) ترجمه رضا قربانی و جواد شیرمحمدی، آینده قدرت، تهران، انتشارات دافوس آجا
- سعادت راد، علیرضا (۱۳۸۹) آموزه‌هایی از جنگ ناهم‌تراز، فصلنامه دافوس آجا، شماره ۱۶، بهار
- سیریل اودانل، هرولد کونتز، هینز ویریچ (۱۳۷۲) اصول مدیریت. ترجمه: محمدهادی چمران. تهران: انتشارات علمی دانشگاه صنعتی شریف.
- محمدی، مهدی (۱۳۹۰) مروری بر نظام نوآوری دفاعی پنج کشور، موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی
- حیدری، کیومرث (۱۳۹۰) جنگ‌های آینده، نشر آجا، تهران
- منزوی، مسعود (۱۳۸۸) عملیات تأثیر محور، مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی
- کرامت‌زاده، عبدالمجید (۱۳۸۸) عملیات تأثیرمحور نظریه و کاربرد، مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی
- محمدی نجم، سید حسین (۱۳۸۷) جنگ شناختی (بعد پنجم)، مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی

حسینی، سید ناصر (۱۳۹۱) فرماندهی و مدیریت به سبک شهید صیاد شیرازی، پژوهشکده معارف جنگ

زیر سازه جهت قرن بیست و یکم (۱۹۸۷) واشنگتن دی. سی، خبرگزاری نشنال آکادمی

رشید زاده، فتح‌الله، (۱۳۸۷) منشور رفتار فرماندهی جلد ۱، انتشارات دانشگاه افسری امام علی (ع)

Mattis, James N(2008) "USJFCOM Commander's Guidance for Effects-based Operations."Parameters, Vol. XXXVIII, Autumn 2008. pp. 18-25. Retrieved 2010-06-02

John A.(1995) Warden III, "The Enemy as a System." Airpower Journal 9, Spring 1995, p. 43



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی